

## «زندگی»

«آنچنان زیباست این بی بازگشت  
کز برایش می توان از جان گذشت  
ه. ا. سایه

... نه، نه!

قمار نیست،

زیباتر از حریم کبریاست!

چیزی عظیم،

چیزی شگرف!

مثل شکفتن است،

این «بودن» و «شدن»!

مثل چراغ روشنی است

در تیرگی راه!

چیزی که بایدش فروخت!

نه، نه!

چرا خموش؟!!

وقتی که می توان،

چیزی عظیم،

چیزی شگرف،

مثل «همیشگی»

از بابتش خرید!

نه، نه!

نمی توان نشست،

در «بودن» و «شدن»!

باید عظیم بود،

باید که بر فروخت

در تیرگی راه

باید شگرف بود،

در عمر بی بدیل!...

# نگاهی به قرارداد گاز ایران و ترکیه

درص ۲ و ۵

اعمال فشار و  
شکنجه به قصد  
توجیه سرکوب و  
اختناق:

• شو تلویزیونی در فرودگاه

تهران

• سازمان عفو بین الملل

تعداد اعدام ها در ایران در

سال گذشته ۲ برابر شده

است

درص ۳

# نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۴۹۸، دوره هشتم

سال سیزدهم، ۹ بهمن ماه ۱۳۷۵

به مناسبت چهاردهمین سالگرد یورش جنایتکارانه جمهوری اسلامی به حزب توده ایران

## مبارزه ادامه دارد

و سیا نیز دخالت مستقیم داشتند. ماه ها قبل از حمله روزنامه انگلیسی دیلی تلگراف ارگان هیأت حاکمه بریتانیا، از پناهنده شدن یک عضو برجسته «کا.گ.ب» از سفارت شوروی در تهران به انگلستان خبر داد و پس از مدت کوتاهی همین روزنامه نوشت که این جاسوس انگلیسی اسناد زیادی را از «افراد مخفی و نفوذی حزب توده» در اختیار مقامات انگلیسی قرار داده است. در همان ماه ها دیدارهای مخفی میان نمایندگان ارگان های امنیتی رژیم و پاکستان و ترکیه در اسلام آباد برگزار شد تا ضمن تبادل اطلاعات، آخرین جزئیات حمله علیه حزب توده ایران تنظیم گردد. یورش نیروهای امنیتی رژیم در راستای هدف و خواست مشترک ارتجاع محلی و امپریالیسم جهانی برای نابودی یکی از کهن ترین و معتبرترین احزاب کارگری و کمونیستی منطقه طرح ریزی و به اجراء درآمد. برای روشن تر شدن این روابط توجه خوانندگان را به

ادامه درص ۶

چهارده سال پیش در سحرگاه ۱۷ بهمن، پاسداران و مزدوران مسلح رژیم خمینی، در یک یورش وسیع و گسترده به حزب توده ایران حمله کردند تا ارتجاع بتواند راحت سکان قدرت سیاسی را در کشور قبضه کند و آرمان های پرشکوه انقلاب بهمن را در پیشگاه واپسگرایی، استبداد و امپریالیسم قربانی نماید. یورش به حزب توده ایران از ماه ها قبل سازمان دهی می گردید. در حالی که سران رژیم مانند رفسنجانی، اردبیلی، و... در تماس با رهبری حزب تشدید فشارهای قبل از حمله را به فعالیت ها و فشار انجمن حجّتیّه مرتبط می کردند، اسنادی که امروز در دست است روشن می کند، که نقشه یورش به حزب توده ایران، ماه ها قبل به تصویب خمینی و دیگر سران رژیم رسیده بود و کار پیگرد وسیع توده ای ها، خصوصاً رهبری حزب، با استفاده از مدرن ترین دستگاه های استراق سمع، تعقیب، و... آغاز شده بود. در این نوطه و وسیع افزون بر دستگاه های امنیتی رژیم، دستگاه های امنیتی اسرائیل، ترکیه، پاکستان، بریتانیا

### در این شماره

«مرجعیت را مبتذل کرده اند» درص ۲

از «انتخابات» چه خبر درص ۲

اعتصاب کارگران کره جنوبی درص ۸

## مبارزه خلق گردد در راه خود مختاری ادامه دارد

درص ۳

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

## رویدادهای ایران



## تشدید درگیری ها در غرب کشور

بر اساس گزارش رسانه های گروهی، فعالیت نیروهای امنیتی رژیم در غرب کشور افزایش چشم گیری یافته است و در هفته های اخیر در برخورد های مسلحانه گوناگون، در قصر شیرین و سایر مناطق مرزی، تعدادی از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران کشته و دستگیر شده اند. بر اساس گزارش روزنامه های مجاز ایران، در پی بازگشت مریم رجوی به بغداد، تاکتیک مجاهدین در برخورد با رژیم نیز تغییر کرده است و این سازمان اقدام به «اعزام تیم های عملیاتی کوچک» به ایران کرده است.

روزنامه رسالت، در شماره ۱۶ دیماه خود مدعی شد، عباس دلنواز، یکی از کادرهای قدیمی و مهم مجاهدین بود که به همراه یک تیم سه نفره برای انجام عملیات به ایران اعزام شده بود «پس از مشاجره ای شدید با نفر هم تیمش، به وسیله او به قتل رسیده است» بر اساس گزارش رسالت از قول یک مقام امنیتی، اعضای دیگر تیم خود را به مقامات جمهوری اسلامی معرفی کرده اند.

بر اساس همین گزارش عباس دلنواز برادر زن مسعود کشمیری است که از سوی جمهوری اسلامی عامل انفجار در دفتر نخست وزیری و قتل رجایی و باهنر معرفی شده است. بر اساس گزارش های روزنامه های مجاز، مقامات امنیتی رژیم از مردم خواستند تا با شماره تلفن های مخصوص برای خبر چینی علیه «متناقضین» استفاده کنند.

## ارزش گاز حوضه پارس ۱۰۰۰ میلیارد دلار است

اسماعیل جلیلیان، مدیر تولید مناطق دریایی شرکت ملی نفت ایران، اعلام کرد که میزان ذخایر گاز بخش ایرانی حوضه پارس جنوبی ۳۰۰ تریلیون فوت مکعب بیش بینی شده که ارزش آن بالغ بر ۱۰۰۰ میلیارد دلار است. بر اساس همین گزارش حجم این ذخایر تا ۵۰۰ تریلیون فوت مکعب قابل افزایش است. وی همچنین یادآور شد که اجرای پروژه های سیری در تیرماه سال گذشته توسط شرکت فرانسوی توتال آغاز شده است و قرار است به مدت ۴۸ ماه ادامه یابد. بر اساس گزارش رسانه ها سران رژیم همچنین در حال مذاکره با سایر شرکت های خارجی برای بهره برداری از حوضه های نفتی دیگر ایران، از جمله حوضه های «سروش» و «بلال» هستند. میزان ذخایر نفت قابل برداشت حوضه «سروش» ۴۷۰ میلیون بشکه و حوضه «بلال» ۷۸ میلیون بشکه بیش بینی شده است.

## «مرجعیت را نتزل داده اند و مبتذلش کرده اند»

آیت الله منتظری، که پس از یورش نیروهای امنیتی به خانه و دستگیری دامادش، مدت ها سکوت پیشه کرده بود، در هفته های اخیر در پی تلاش نافرجام مزدوران امنیتی رژیم برای ترور آیت الله سیستانی در نجف، در سخنان شديدا لحنی، خامنه ای «ولی فقیه» را به «بچه ای» که به «عنوان مرجع» معرفی کرده اند تشبیه کرد، و به شدت به رژیم جمهوری اسلامی حمله کرد. وی در سخنان خود، ضمن تأیید تشدید جو فشار بر روحانیون مخالف رژیم یادآور شد که بخش ویژه ای در وزارت اطلاعات رژیم به منظور جمع آوری اطلاعات و برخورد با روحانیون مخالف تشکیل شده است. وی همچنین در این سخنان از سکوت ضمنی «مراجع تقلید» انتقاد کرد و گفت به دلیل سکوت ما مسؤولان سیاسی توانسته اند قدر «مرجعیت و روحانیت را مبتذل و کوچکش» کنند.

## افزایش بهای اتوبوس و اعتراض مردم

بر اساس گزارش روزنامه سلام بهای بلیط اتوبوس با یک دستور شفافه ای ۵۰ ریال به ۱۰۰ ریال افزایش یافته است که موجب اعتراض وسیع مردم

تهران شده است. بر اساس همین گزارش، بیش از ۷/۵ میلیون مسافر در روز با ۴۳۰۰ اتوبوس شرکت واحد مسافرت می کنند، و این افزایش ناگهانی و بدون اطلاع برای بسیاری دشواری های تازه ایجاد خواهد کرد. بر اساس همین گزارش یکی از رانندگان شرکت واحد در پاسخ به سؤال خبرنگار سلام که پرسیده بود بخشنامه کتبی این افزایش کی به شما داده شده است، از جمله گفت: «هیچ وقت شرکت واحد برای این کارها کتباً بخشنامه نمی دهد، بلکه مدیر عامل شرکت واحد شفاها به مدیران مناطق اعلام و آنها نیز به ما اعلام می کنند.»

## ۴۰٪ کاهش صادرات فرش

حبیب الله عسگری اولادی، از کلان سرمایه داران بازار و سردمداران گروه رسالت، در جمع «مسؤولین کمیته های امداد» در خراسان گفت: «ما از نظر صادرات فرش دچار مشکل شده ایم و صادرات فرش ما نه تنها رشد نکرده است، بلکه در هشت ماه گذشته ۴۰٪ کاهش نیز داشته است.» نکته قابل توجه اینکه نامبرده در شرایطی این سخنان را می گفت که مسؤولان ریز و درشت رژیم مرتباً از افزایش صادرات غیر نفتی داد سخن می دهند.

## درآمد های بودجه غیر واقعی است

کار بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۷۶، در مجلس به اتمام رسید و کلیات آن به تصویب نمایندگان مجلس رسید. نکته جالب دفاع سرسختانه و آتشین سردمداران رسالت، از جمله نبوی، از لایحه بودجه در مجلس بود. در جریان بحث های مجلس، از جمله مسایلی که مطرح گردید غیر واقعی بودن درآمدهای پیش بینی شده در لایحه بودجه بود. بر اساس همین گزارش ها تعدادی از نمایندگان تأمین درآمدهای بودجه بر اساس درآمد های پیش بینی شده از محل فروش نفت و مالیات ها را مانند سال های گذشته غیر واقعی و غیر قابل دست رس اعلام کردند.

## در حاشیه «انتخابات» ریاست جمهوری رژیم

تصمیم موسوی سؤال کرد که وی فشار های جنبی و بازی های سیاسی را علل واقعی این تصمیم دانست. دکتر زهرا رهنورد همسر موسوی در پاسخ خبرنگار مجله زنان از جمله گفت: «همین جا می گویم هر کاری دلشان می خواهد، علیه ما بکنند. چون من و موسوی و بچه هایمان به تمام معنی بریده هستیم.»

• س: از چی بریده اید؟

از همه این بازی ها ....

• س: نکته ای که از لحاظ سیاسی در این تحولات اهمیت دارد، این است که بالاخره از انصراف مهندس موسوی چه جریاناتی بیش از همه سود خواهد برد: راست سنتی یا راست افراطی؟

من تحلیل دیگری از این راست سنتی و غیره دارم. آیا واقعا این ها خیلی تفاوت دارند؟ من که تفاوتی نمی بینم.

نشود، تشویق نمود.

## خاتمی کاندیدای جناح مقابل؟

در تهران تلاش شدید گروه های «خط امام» و «کارگزاران» برای یافتن کاندیدای مشترکی همچنان ادامه دارد. بر اساس این گزارش ها خاتمی وزیر ارشاد سابق رژیم که توسط رفسنجانی از کار برکنار شده بود، به احتمال زیاد پیشنهاد این گروه ها را برای کاندیداتوری خواهد پذیرفت. بر اساس گزارش مجله اکونومیست که از منابع محرمانه خود در تهران گزارش می دهد، علی رغم این تلاش ها، امکان نامزدی حبیبی و ولایتی نیز هنوز کاملاً از بین نرفته است.

## «من و موسوی بریده ایم»

در پی عدم قبول پیشنهاد نامزدی ریاست جمهوری، مجله زنان که در تهران منتشر می شود، در مصاحبه جالبی با همسر موسوی از او پیرامون علل این

## روحانیت متحد

بر اساس گزارش های رسیده با نزدیک تر شدن موعد برگزاری «انتخابات» ریاست جمهوری رژیم فعالیت جناح های مختلف برای هماهنگ کردن برنامه های «انتخاباتی» نیز تشدید شده است. در هفته های اخیر شورای مرکزی روحانیت تهران با حضور مهدوی کنی، امامی کاشانی، ناطق نوری، معزی و تقوی به منظور ایجاد هماهنگی های لازم در تهران و شهرستان ها تشکیل جلسه داد. در این جلسه امامی کاشانی ضمن تأکید بر ضرورت حفظ اتحاد روحانیت از جمله یادآور شد: «یکی از مهمترین عوامل پیروزی انقلاب اسلامی ارتباط تنگاتنگ روحانیون کشور با یکدیگر بود...» . ناطق نوری نیز در سخنرانی های گوناگونی طرفداران خود را به حفظ «اخلاق اسلامی» و مراقبت برای آنکه به «حیثیت نظام» لطمه ای وارد

۲ بهمن سالگرد تشکیل حکومت خودمختار کردستان گرامی باد!

## مبارزه خلق کرد در راه خود مختاری ادامه دارد

امسال، دوم بهمن ماه، پنجاه و یکسال از آن روزی که در ۲ بهمن ۱۳۲۴، بیش از بیست هزار از اهالی کردستان، به ابتکار حزب دموکرات کردستان، در مه‌آباد جمع شدند و تأسیس حکومت خودمختار کردستان را به رهبری قاضی محمد اعلام کردند، می‌گذرد. پنجاه و یکسال است که خلق کرد، افزون بر ستم طبقاتی جامعه سرمایه داری و حکومت‌های مستبد و ضد مردمی، از ستم ملی رنج برده است و در شرایط ستم مضاعف، سرکوب خونین و محرومیت وسیع شرایط سخت، غیر انسانی و دشواری را پشت سر گذاشته است.

حکومت یازده ماهه قاضی محمد، نمونه بارز و روشنی از عملکرد انقلابی در مقابل عملکرد ارتجاعی و ضد مردمی هیأت حاکمه ایران آن روز است. در طول این دوره کوتاه گام‌های بزرگی در راه تأمین حقوق زحمتکشان، مصادره زمین‌های فئودال‌ها و بهبود کیفی و کمی زندگی توده‌ها برداشته شد که در تاریخ کردستان ایران بی سابقه بوده است. ارتجاع حاکم با توجه به این دست آوردها و انعکاس وسیع و مثبت آن در سراسر ایران بود که سرکوب خونین و وحشیانه این جنبش مردمی را زیر لوای «حفظ تمامیت ارضی» ایران و جلوگیری از «تجزیه» ایران در دستور کار خود قرار داد و در یک یورش جنایتکارانه و با کشتار وسیع، از جمله قاضی محمد و دیگر رهبران خلق کرد، اجازه نداد تا حکومت خودمختار کردستان برنامه‌های مردمی و دموکراتیک خود را برای دگرگون کردن زندگی خلق کرد به پیش ببرد.

خلق کرد و نیروهای سیاسی و مترقی آن، از جمله نیروهای فعال شرکت کننده در انقلاب بودند که با امید دست یابی به حقوق بایمال شده خود با شور و شوق در سنگرهای انقلاب در کنار سایر نیروهای مردمی رزمیدند. با پیروزی انقلاب، خلق کرد برای مدت کوتاهی توانست از آزادی بهره‌ور گردد. ولی توطئه نیروهای ارتجاعی در درون حاکمیت برآمده از انقلاب در کنار تحریکات ضد انقلاب، خیلی زود کردستان را بار دیگر طعمه حریق جنگ و خونریزی کرد و اجازه نداد تا خلق کرد، حتی به حقوق حداقلی که زیر فشار نیروهای مترقی در قانون اساسی گنجانده شده بود دست یابند.

امروز هجده سال پس از پیروزی انقلاب بهمن، سرکوب خونین خلق کرد، همچنان یکی از اولویت‌های اساسی ارگان‌های سرکوبگر رژیم است. حملات پی در پی نظامی به دهکده‌های کرد نشین و مقر نیروهای مترقی، تلاش در ایجاد تفرقه و برخورد خونین میان نیروهای کرد در منطقه و دخالت آشکار و نهان در روابط موجود

## اعمال فشار و شکنجه

### به قصد توجیه

### سرکوب و اختناق

سرانجام، پس از هفته‌ها فشار شدید بین المللی، مزدوران امنیتی جمهوری اسلامی با ترتیب دادن یک شوی تلویزیونی در فرودگاه تهران فرج سرکوهی سردبیر رپوده شده مجله آدینه را به طرز معجز آسایی در فرودگاه ظاهر کردند و در حضور خبرنگاران خارجی که توسط وزارت اطلاعات به محل مصاحبه دعوت شده بودند، مدعی شدند که تمامی ادعاهای نیروهای اپوزیسیون دروغ محض بوده و فرج سرکوهی نه تنها از ایران خارج شده است بلکه خودش پس از هفته‌ها مسافرت به شهرهای گوناگون، از جمله هامبورگ، کلن، آخن، هلند ترکیه و ترکمنستان، سرانجام «وارد مشهد شده» و با مقامات قضایی کشور تماس گرفته است.

از داستان مسخره‌ای که سناریو نویسان و شکنجه‌گران جمهوری اسلامی برای فرج سرکوهی درست کرده‌اند و او را وادار کرده‌اند آن را در فرودگاه تکرار کند که بگذریم، این عملکرد بار دیگر نشانگر ماهیت عمیقاً ضد مردمی و جنایتکارانه رژیم است که آماده است برای بقای خود به هر جنایتی دست بزند. در عین حال عقب نشینی رژیم در مقابل فشار شدید بین المللی که «نامه مردم» بخش‌هایی از آن را در شماره ۱۰ پیش خود گزارش داد (نگاه کنید به اعلامیه ۸۰ حزب در محکومیت رژیم و تقاضای آزادی برای زندانیان سیاسی از جمله نویسندگان و هنرمندان دستگیر شده)، نشانگر این حقیقت است که می‌توان با فعالیت هماهنگ و وسیع بین المللی رژیم را وادار به عقب نشینی کرد. نباید فراموش کرد که هنوز از سرنوشت حسین پور طهماسب (میرزا) خبری در دست نیست، علی‌توسلی بیش از یک سال است که

میان نیروهای کرد ایرانی و عراقی به قصد تخریب و ایجاد تنش‌های نظامی انجام می‌گیرد، همه بخشی از برنامه‌های رژیم برای «امن» کردن منطقه و به عبارت دیگر سرکوب قطعی مبارزه خلق کرد است.

مبارزه خلق‌های ایران در راه خودمختاری، در چارچوب ایرانی آزاد و دموکراتیک، یک خواست انسانی، دموکراتیک و مترقی است که دفاع از آن وظیفه همه نیروهای ملی و دموکراتیک کشور ما است. ایراد تهمت‌هایی از قبیل «تجزیه طلبی»، نداشتن «عرق ملی» و... که از سوی سران جمهوری اسلامی و نیروهای ارتجاعی در صفوف اپوزیسیون، مانند طیف‌های رنگارنگ سلطنت طلب، علیه نیروهای مترقی خلق کرد مطرح می‌شود، بیش از آنکه زمینه عینی داشته باشد، مهر تأییدی است بر دهه‌ها ستم و جنایت و اجحاف علیه میلیون‌ها تن از ساکنان کشور ما. حزب توده ایران، از نخستین روز تأسیس خود در راه حقوق خلق‌های ایران رزمیده است و همچنان به این اصل ملی و مترقی پایبند است.

حزب توده ایران نخستین سازمان سیاسی کشور ما بود، که در شرایط آن روز جامعه ایران مسأله خودمختاری خلق‌های ایران را در برنامه مبارزاتی خود گنجانده و فعالانه از جمهوری‌های خود مختار آذربایجان و کردستان دفاع کرد و بسیاری از رفقای حزبی ما در کنار دمکرات‌های کردستان جان خود را در راه این مبارزه مردمی و خلقی فدا کردند.

امروز، حل مسأله ملی خلق‌های ایران در ارتباط تنگاتنگ و گسست ناپذیری با مبارزه عمومی خلق علیه رژیم «ولایت فقیه» قرار دارد. در این چارچوب است که اتحاد عملی و اشتراک نیروهای ملی و دموکراتیک برای شکل دادن به یک آلترناتیو دموکراتیک بیش از پیش به ضرورت درنگ ناپذیر بدل شده است. حزب ما مدت‌ها است که پیشنهاد‌های خود را مبنی بر تشکیل یک جبهه واحد ضد دیکتاتوری برای مقابله و مبارزه علیه رژیم «ولایت فقیه» ارائه داده و اعلام کرده که آماده است تا با همه نیروهای ملی و دموکراتیک کشور بر سر چگونگی تحقق عملی چنین جبهه‌ای به مذاکره بنشیند. تجربه تاریخی، از جمله تجربه شکست تلخ و سرکوب جمهوری‌های خودمختار کردستان و آذربایجان به دست قلدران ستم شاهی، و تجربه خیانت استبداد و ارتجاع به آرمان‌هاست انقلاب بهمن ۵۷، بهترین گواه بر ضرورت تحقق چنین اتحادی است. ما به سهم خود آماده‌ایم تا تمام توان خود را برای آغاز چنین روندی به کار گیریم.

ادامه در ص ۵

**آزادی برای  
همه زندانیان  
سیاسی ایران!**

# نگاهی به قرارداد فروش گاز به ترکیه

احداث شود شامل خط لوله اصلی از تبریز به خاک ترکیه به طول ۲۷۰ کیلومتر و از آنجا به شهر ارض روم به طول ۲۵۰ کیلومتر است، که به ترتیب هر یک با هزینه ایران و ترکیه کارگذاری می شود. باقی مانده این خط لوله، یعنی از شهر ارض روم تا آنکارا، پایتخت ترکیه ۸۰۰ کیلومتر است که احداث آن با مشارکت

بین المللی و سرمایه خارجی خواهد بود. تاکنون متن کامل قرارداد مورد اشاره و بندها و تبصره ها و تضمین های داده شده طرفین و نیز مفاد اساسی آن از سوی جمهوری اسلامی و رژیم آنکارا انتشار نیافته است. روزنامه ملیت چاپ ترکیه ماه گذشته خبری را درباره این قرارداد منتشر کرد که در آن آمده بود: «در متن قرارداد مواد محرمانه وجود دارد».

عدم انتشار متن کامل قرارداد و اخبار ضد و نقیضی که پیرامون آن پدید آمده، پرسش های جدی را مطرح می سازد. گفتگو برای عقد قراردادی در زمینه انتقال گاز ایران به ترکیه، سابقه طولانی دارد و به سال های اواخر دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰ خورشیدی باز می گردد. در آن سال ها، گفتگوهای فشرده ای برای ارسال گاز از ایران به ترکیه در جریان بود. طرف ترکیه به دلیل عدم توانایی در تامین منبع مالی برای خرید گاز، همواره بر این مسأله تاکید داشت که قرارداد باید به صورت پایاپای منعقد شود یعنی ایران به جای دریافت ارز و پول به شکل مستقیم، اجناس و کالا و غیره از ترکیه وارد کند.

در رابطه تجاری با ترکیه، به ویژه فروش نفت و گاز مبادله پایاپای به سود کشور ما نیست- یگانه شکلی که می تواند در برگیرنده منافع مالی و برحق مردم ایران باشد، قراردادی بر اساس گاز در مقابل ارز است یعنی دریافت پول بطور مستقیم و معین! این دور گفتگوها در آن سال ها به دلیل پافشاری ترکیه در مسأله پایاپای بی نتیجه ماند و مسکوت گذاشته شد. بار دیگر در سال ۱۳۷۴ دور نوینی از گفتگوها آغاز شد و حتی پیش نویس قرارداد نیز آماده و نوشته شد ولی باز هم به دلیل اصرار ترکیه برای تامین یک جانبه منافع خود یعنی تاکید بر روی فرمول گاز در مقابل کالا، ناکام باقی ماند و قرارداد به امضاء نهایی نرسید.

ترکیه و در جمع صدها بازرگان ترکیه و ایران ضمن تاریخی و پر اهمیت خواندن قرارداد گاز یادآور شد: «روابط ما در سال های آینده بسیار فراتر از ۲ میلیارد دلار خواهد بود، حجم تجارت ایران و ترکیه در سال های گذشته ۲ میلیارد دلار بود و سپس به کمتر از ۱ میلیارد کاهش یافت. این کاهش، این تحول قابل قبول نیست...». سخنان اربکان نشان دهنده آن اولویت هایی است که در تامین منافع ملی و اهداف عظمت طلبانه رژیم آنکارا در سال های آینده تنظیم و تدوین شده است.

از سوی دیگر آقازاده وزیر نفت جمهوری اسلامی، در یک مصاحبه مطبوعاتی ضمن بر شمردن دستاوردهای سفر اربکان و امضاء قرارداد فروش گاز به ترکیه گفت: «... ترکیه از سال ۱۹۹۹ هر ساله دستکم ۴ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی از ایران وارد خواهد کرد و حجم این واردات در سال های بعد به ۱۰ میلیارد متر مکعب در سال افزایش می یابد». وزیر نفت سپس افزود: «قرارداد فروش گاز به ترکیه تا سال ۲۰۲۰ میلادی ادامه خواهد داشت و سالانه حدود ۱ میلیارد دلار برای ایران درآمد ارزی دارد...».

در ارتباط با این قرارداد رسانه های داخلی و خارجی، مطالب و تفسیرهای گوناگونی منتشر ساختند. برخی از مطبوعات خاطر نشان کردند، قرارداد مذکور با قانون داماتو که به امضاء کلینتون رسید و رسمیت یافت در مغایرت قرار می گیرد. برخی گزارشات نیز از مخالفت جدی صندوق بین المللی پول و دیگر نهادهای تحت فرمان آمریکا با این قرارداد حکایت دارد.

هفته نامه اقتصادی مید در ۲۳ اوت سال ۱۹۹۶ درباره قرارداد گاز مزبور نوشت: «با قراردادی که در جریان سفر اربکان نخست وزیر ترکیه در تهران امضاء شد، طی مدت ۲۳ سال حدود ۲۳ میلیارد دلار گاز از ایران به ترکیه فروخته می شود. برای اجرای این قرارداد باید بین تبریز و آنکارا خط لوله به طول ۱۴۰۰ کیلومتر و هزینه حدود ۱۵۰۰ میلیون دلار احداث شود. در این قرارداد پیش بینی می شود ارسال گاز به ترکیه از سال ۱۹۹۹ به میزان ۳ هزار میلیون متر مکعب در سال آغاز می شود و میزان آن تا ۱۰ هزار میلیون متر مکعب در سال افزایش می یابد...».

خط لوله هایی که برای این قرارداد باید

با انتخاب نجم الدین اربکان از حزب اسلامی رفاه به سمت نخست وزیر ترکیه، جمهوری اسلامی هیاهوی تبلیغاتی پر سروصدایی در داخل کشور برآورد و تلاش کرد چنین وانمود سازد که در کشور ترکیه پس از سال ها حاکمیت دولت های غیر مذهبی- لائیک- سرانجام یک دولت اسلامی که «مقام ترکیه در جهان اسلام را درک می کند و برای آن ارزشی قابل است»، برسر کار آمده است!

تبلیغاتی از این دست به هیچ رو تازگی ندارد. در دوران جنگ خانمانسوز ایران و عراق- سرمایه داران ترکیه و دولت منتخب آنها در آنکارا بیشترین سود مالی را به عنوان همسایه ایران و عراق به چنگ آوردند و از رهگذر ادامه جنگ و برقراری روابط یک جانبه ثروت های نجومی کسب کردند. در آن هنگام نیز رژیم «ولایت فقیه» علی رغم شرایط تحمیلی، رفتار ترکیه را «دوستی» و «مناسبات مودت آمیز و تاریخی دو کشور برادر و مسلمان» می نامید و پیرامون آن تبلیغات سرسام آور به راه می انداخت. نشانه های موجود حاکی است، شرایط در روابط جمهوری اسلامی و ترکیه، علی رغم پایان جنگ و تحولات منطقه ای جدید، همچون گذشته به زیان ایران و به سود ترکیه است. روابط موجود و قرارداد امضاء شده از سوی اربکان، نخست وزیر رژیم آنکارا با جمهوری اسلامی براساس مشترکات تاریخی و تحکیم دوستی و پیوند میان دو ملت نبوده و از نقطه نظر تجاری متقابلاً سودمند نیست، به همین جهت منافع ملی و حقوق حقه مردم میهن ما دچار لطمه و زیان جدی می شود. امری که رژیم ضد ملی «ولایت فقیه» در محاسبات خود مد نظر قرار نمی دهد و با آن بیگانه است.

پس از احراز مقام نخست وزیر توسط اربکان وی در نخستین سفر خارجی خود در این مسؤولیت، رهسپار تهران شد و دیدارها و مذاکرات طولانی و فشرده ای را با سران جمهوری اسلامی برگزار کرد. مهم ترین دستاورد این سفر که هم رژیم «ولایت فقیه» و هم رژیم آنکارا آن را «بر ارزش»، «تاریخی» و «مهم» قلمداد کردند، امضاء قرارداد فروش گاز ایران به ترکیه، برای مدت ۲۲ سال و بالغ بر ۲۰ میلیارد دلار، بود.

نخست وزیر ترکیه در جریان سفر خود به تهران، طی سخنانی در اتاق بازرگانی ایران و

## نگاهی به فرار داد گاز ایران و ترکیه ...

سرانجام در تابستان سال ۱۳۷۵ به دنبال سفر نخست وزیر ترکیه و شرایط اقتصادی فاجعه بار جمهوری اسلامی رژیم «ولایت فقیه» تن به امضاء این قرارداد داد.

پس از امضاء این قرارداد بر خلاف عرف معمول در روابط بازرگانی میان دو کشور، متن کامل آن انتشار نیافته و رژیم «ولایت فقیه» و ترکیه مهر سکوت درباره جوانب گوناگون آن بر لب زده اند. از جمله روشن نیست آیا فرمول ترکیه یعنی گاز در مقابل کالا مورد قبول واقع شده و یا طبق آنچه معمول است و منطبق با منافع ملی ایران و سود متقابل است یعنی گاز در مقابل ارز در توافق پایانی مورد تاکید قرار گرفته است. گزارشات مختلف حاکی است که ترکیه موفق به تحمیل شرایط خود شده است. بی جهت نیست، محافل جنگ افروز، نظامیان و به طور کلی عظمت طلبان پان ترکیست که در آنکارا از موقعیت ممتاز برخوردار هستند، از سفر اربکان به تهران حمایت کردند و نخست وزیر اسلامگرایی ترکیه موقعیت خود را در میان محافل شوونیست ترکیه تحکیم کرده است.

ترکیه در سال های اخیر، در جستجوی جایگاه ویژه ای در معادلات منطقه ای است و سرمایه گذاری هنگفتی در کلبه زمینه ها در آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و حوضه دریای خزر و نیز شبه جزیره بالکان انجام داده است. نقش ترکیه در راستای مقاصد و نقشه های استراتژیک امپریالیسم جهانی قابل بررسی است. رژیم ترکیه نسبت به بیشتر همسایگان خود ادعای ارضی دارد و در امور داخلی آنها مداخله می کند. نمونه لشکر کشی به خاک عراق و حضور نظامی و امنیتی گسترده در شمال عراق، اشغال بخشی از خاک کشور مستقل قبرس، ماجراجویی در دریای اژه و تحریک یونان عضو دیگر ناتو، تحریکات مداوم علیه بلغارستان، گرجستان و ارمنستان در راستای گسترش نفوذ ناتو به شرق اروپا و بالاخره رابطه تنگاتنگ با رژیم صهیونیستی اسرائیل و نیز همکاری مشترک امنیتی و نظامی با جمهوری اسلامی در جنگ داخلی یوگسلاوی و حمایت از دسته های جنایتکار در این درگیری بخشی از آن وظایفی است که برای تامین منافع امپریالیسم به ویژه امپریالیسم آمریکا توسط حکومت ترکیه عملی می شوند.

رژیم «ولایت فقیه» در شرایط ضعف و بدون در نظر گرفتن منافع ملی ایران به قیود و بندهای ترکیه گردن گذارده، آنچه رژیم در امضاء این قرارداد مد نظر قرار داده، منافع لحظه ای و گذرای نظام واپسگرا است و ارتباطی با تامین و تحکیم حاکمیت ملی مردم ایران ندارد. مفاد قرارداد آنچنان تحمیلی است که حتی در درون و پیرامون حکومت نیز صدای اعتراض را برانگیخته است. پاره ای از مطبوعات مجاز در داخل کشور از جمله روزنامه «سلام» به جنبه هایی از این قرارداد

انتقاد کرده و آن را به زیر علامت سوال برده اند. «سلام» در مقاله ای به تاریخ ۷ آبان ماه در این باره نوشت: «... تحلیل کارشناسان این است که قرارداد در شرایط بحرانی و تصویب قانون داماتو انجام شده است قیمت جهانی گاز برای هر متر مکعب حدود ۲۵ سنت است که در قرارداد ایران و ترکیه روی ۱۱ سنت توافق شده است». آنچه این روزنامه مجاز در جمهوری اسلامی در این باره قید کرده نشان دهنده غارت ثروت ملی میهن ما است. رژیم بر هر گونه شرایط و توافق نامه ای برای تداوم بقاء و سلطه خود مهر تایید می زند و آن را برخلاف اراده مردم و نیروهای ترقی خواه عملی می سازد. توافق نامه فروش گاز از این زمره است. براساس این توافق نامه که رژیم واپسگرای فقها آن را پیروزی تلقی می کند، گاز ایران با قیمتی پایین تر از نرخ جهانی به سوی ترکیه سرازیر می شود و تازه تاکنون روشن نیست که آیا در مقابل آن ارزی عاید کشور ما می شود یا نه و آیا با توافق نامه دروازه های ایران در مقابل غارت بخشی از ثروت ملی به روی کالاها و اجناس بنجل و غیر استاندارد ترکیه باز می شود. آنچه می توان از روح این توافق و امضاء آن به دست داد همانا منافع سرشار بخش های انگلی بورژوازی ایران است که هر چه بیشتر فربه می شود و منابع ملی را فدای منافع آزمندان و ارتجاعی خود می کند.

نظیر همین عدم پابندی به منافع و حقوق مردم ایران در رابطه با قراردادی که برای بازپرداخت بالغ بر ۶۰۰ میلیون فرانک فرانسه (۱۲۰ میلیون دلار) بدهی عقب افتاده به شرکت های فرانسوی از سوی جمهوری اسلامی امضاء شد دیده می شود. نشریه فیگارو چاپ پاریس ضمن درج این توافق از جمله نوشت: «با حل این مشکل جمهوری اسلامی بازار خود را به روی انواع محصولات فرانسوی گشود، قطعات یدکی پژو و مواد غذایی، دارو و لوازم بهداشتی در برابر تحویل نفت ایران به جمهوری اسلامی صادر می شود...». قراردادهایی نظیر توافق بر سر فروش گاز به ترکیه در برگیرنده منافع کشور ما نیست و به دلیل ماجراجویی، مداخله گری و ماهیت واپسگرای رژیم «ولایت فقیه» و از سوی این رژیم به مردم تحمیل شده است و نمی تواند مورد تایید باشد و فاقد آینده است.

عقد هر قراردادی بدون توجه به مصالح و منافع ایران و حقوق مسلم و انکار ناپذیر زحمتکشان ایران که مالکان واقعی ثروت های ملی هستند هیچگونه زمینه اجرایی و عملی در آینده نخواهد داشت و برای مردم ما و حاکمیت برآمده از اراده مردم در آینده الزام آور نخواهد بود.

نیروهای پیشرو، آزادیخواه و ملی ایران از جمله حزب ما، همه گونه شرایط و قیود تحمیلی را که قراردادهای یک جانبه به کشور ما تحمیل کنند مردود و فاقد اعتبار می دانند. نیروهای مترقی میهن ما، خیانت های بزرگ گردانندگان رژیم واپسگرای «ولایت فقیه» به منافع و حقوق حقه مردم ایران را قاطعانه محکوم می کنند. ما علیه هر نوع قرارداد و پیمان تحمیلی و زیان آور مبارزه کرده و می کنیم.

## ادامه: اعمال فشار ...

توسط ماموران جمهوری اسلامی ربوده شده است و هنوز از سرنوشت او خبری نیست. همان طوری که ما در شماره های قبل هشدار دادیم، همه شواهد حاکی از تشدید فشار و اختناق توسط رژیم برای تثبیت موقعیت خود در دوران پس از رفسنجانی است. سازمان عفو بین الملل در آخرین گزارشی که پیرامون اوضاع ایران در لندن، در روز ۶ ژانویه ۱۹۹۷ انتشار داد، ضمن ابراز نگرانی جدی از مسأله سرکوب حقوق بشر در ایران، گزارش کرد که تعداد اعدام ها در ایران در سال گذشته دو برابر شده است. بر اساس همین گزارش، هدایت الله زنده دل و مجید ابکانی، به جرم «مفسد فی الارض» در آغاز سال جدید میلادی در زندان قصر اعدام شده اند. مقامات ایرانی این افراد را که از نیروی هوایی بودند به «جاسوسی» متهم کرده اند.

در شرایط ادامه حکومت ترور و اختناق در ایران و نقش روز افزون ارگان های سرکوبگر و امنیتی، می بایست کارزار بین المللی دفاع از حقوق مردم ایران، خصوصاً قربانیان سرکوب و اختناق و تلاش در راه آزادی زندانیان سیاسی را دو چندان کرد.

## ادامه: پیروزی اعتصاب ...

کره جنوبی، حمله نظامیان به مرکز اتحادیه های کارگری دستگیری رهبران سندیکایی به زبان نیاوردند. علی رغم همه مشکلات موجود مبارزات طبقه کارگر کره جنوبی را، با در نظر گرفتن دستاوردهایی که تاکنون داشته است، باید موفق دانست. این مبارزه نشان داد که حتی در شرایط کنونی جهان و نیروهای قابل ملاحظه سرمایه، مبارزات طبقه کارگر در صورتی که متحد، با برنامه و هدفمند باشد پیروز خواهد بود.

توفیق طبقه کارگر کره جنوبی نشان داد که در شرایطی عملکرد دقیق و اصولی گردان های صنفی طبقه کارگر می تواند در مبارزه سیاسی توده ها نقش تعیین کننده ای بازی کند. یک درس بزرگ این جنبش افشای این واقعیت است که اقتصادهای آسیای جنوب شرقی که بسیاری از مرددان جنبش بخصوص در کشورهای جهان سوم به آن دل بسته بودند از بحران مصون نبوده و تابع قانونمندی های عمومی سرمایه داری است. عقب نشینی دولت کره جنوبی و به تبع آن سرمایه داری این کشور از صحنه مبارزه، یکبار دیگر ثابت کرد که اگر طبقه کارگر، این تولید کننده اصلی اضافه ارزش مصمم و متشکل به مبارزه برخیزد، سرمایه داری مجبور به قبول خواسته آن می باشد.

**ادامه: مبارزه ادامه دارد ...**

مصاحبه مرتضی نبوی (وزیر وقت مخابرات رژیم) با مجله «پیام انقلاب» (شماره ۵۴، سال ۱۳۶۰) جلب می کنیم. او در این مصاحبه ضمن دادن گزارشی از سفر خود به ترکیه و دیدار با نخست وزیر ترکیه از نگرانی نخست وزیر ترکیه پیرامون نفوذ حزب در ایران پرده برمی دارد و می گوید: «... [اینکه] احتمالاً خطری از جانب توده ای ها وجود دارد، ما برای آنها توضیح دادیم که هیچگونه خطری نمی تواند ما را تهدید کند. آن چه در ایران حکومت می کند اسلام است و بس!». مجله «میدل ایست این سایت» نیز در همان دوران (اکتبر ۱۹۸۳) از قول منابع خود در هیأت حاکمه آمریکا نوشت: آنچه برای آمریکا مطرح است تنها این مسأله است که از افتادن انقلاب ایران به دست نیروهای غیر مذهبی و ضد امپریالیستی جلوگیری کند. آمریکا به شرطی آمادگی خود را برای فروش اسلحه و قطعات یدکی، از طریق کره جنوبی و اسرائیل، به ایران اعلام کرده است که حزب توده ایران از میان برداشته شود!!!

افزون بر ابزار خوشحالی رسانه های گروهی امپریالیستی از این یورش جنایتکارانه (روزنامه انگلیسی زبان تایمز پس از به راه افتادن شوه های تلویزیونی، در سرمقاله خود ضمن حمله شدید به حزب توده ایران و سیاست های آن در ایران و منطقه، این «عاقبت» را «عاقبت شایسته ای» برای حزب توده ایران اعلام کرد. روزنامه آلمانی دی ولت و مجله آمریکایی نیوزویک نیز مقالات مشابهی در این زمینه منتشر کردند)، نیروهای ارتجاعی مانند طیف های رنگارنگ سلطنت طلبان، رادیو اویسی، بختیار و دیگران این حمله و «پیروزی» را به سران جمهوری اسلامی تبریک گفتند و این یورش را نقطه عطفی در تاریخ رژیم معرفی کردند. سران رژیم از رفسنجانی، تا اردبیلی، موسوی، خامنه ای، مهدوی کنی و ... این یورش و پیروزی را بزرگ تر و یا در حد پیروزی های بدست آمده در جبهه های جنگ اعلام کردند و ری شهری حاکم شرع مانند سلف شاهنشاهی خود کار حزب توده ایران را تمام شده اعلام کرد.

علی رغم سه یورش وسیع و دستگیری هزاران توده ای (ری شهری رقم دستگیر شدگان را ۱۰/۰۰۰ تخمین زد) رژیم خیلی زود دریافت که نابود کردن حزب توده ها کار ساده ای نیست و ریشه های عمیق و تنومند حزب ما نیرومند تر از آن است که رژیم و امپریالیسم تصور آن را در خیال خود داشتند. شکنجه های وسیع برای وادار کردن زندانیان توده ای به اعتراف به «جاسوسی» در نبود حتی یک برگ سند و از همه مضحک تر

درست کردن سناریوی «تدارک کودتا» از سوی رهبری حزب و وادار کردن برخی از رهبران دستگیر شده به اعتراف به این موضوع بخشی از کارزار وسیع تبلیغاتی - روانی رژیم علیه حزب ما بود. بر اساس این سناریوی مسخره قرار بود حزب توده ایران در ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲، همزمان با تظاهرات کارگران «نقشه کودتای مسلحانه» علیه رژیم را عملی کند. نمایش شوه های تلویزیونی قربانیان شکنجه های وحشیانه در روز ۱۱ اردیبهشت، آماده باش وسیع نیروهای امنیتی و یورش دوم به حزب توده ایران در همان روزها، بر اساس چنین سناریویی تنظیم شده بود و در عین حال نشانگر وحشت عمیق رژیم از پایگاه توده ای - کارگری حزب ما بود. محسن رضایی، فرمانده سپاه پاسداران در همان روزها در مصاحبه با روزنامه اطلاعات از جمله مدعی شد: «حزب توده می کوشید جمهوری اسلامی را به سمت اردوگاه شرق و خط شرق سوق دهد و بعد کم کم می خواست ایران را وابسته به شرق بکند و آنگاه در یک براندازی، حزب را به حاکمیت کامل برساند ...» (اطلاعات ۲۲ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲).

دلایل اصلی حمله به حزب توده ایران چه بود؟ در پس ادعاهای مضحک رژیم پیرامون «کودتای نظامی» و غیره، واقعیت مهمی نهفته است و آن این است که رشد و نفوذ روز افزون حزب توده ایران در میان زحمتکشان، خصوصاً کارگران و کار سازمان دادن تشکیلات حزب پس از یک دوران طولانی، حزب توده ایران را به یکی از مهمترین و پرقدرت ترین نیروهای سیاسی کشور بدل کرده بود. مقاومت و پیروزی بزرگ کارگران علیه قانون کار ارتجاعی توکلی، پیروزی های معین دهقانان در مصادره زمین های مالکان بزرگ و رشد روز افزون تشکل های کارگری که مستقیم و غیر مستقیم زیر نفوذ معنوی حزب توده ایران قرار داشتند، هراس عظیمی را در دل ارتجاع داخلی و امپریالیسم جهانی ایجاد کرد. اهمیت سرکوب حزب توده ایران و جلوگیری از هرگونه رشد آن در حدی بود، که سالیوان، سفیر آمریکا در ایران، حتی قبل از پیروزی انقلاب در مورد این خطر ابراز نگرانی کرده بود و از جمله یادآور شده بود: «نهضت شیعی مذهب ها به رهبری آیت الله خمینی از سازمان یافتگی بهتری برخوردار است و برخلاف آن چه دشمنان این نهضت بیان می دارند، اینان با داشتن زمینه فکری خاص، قادر به مقاومت در برابر کمونیسم هستند...» (اسناد «لانه جاسوسی» - کتاب شماره ۱۲، سند شماره ۱۴ بهمن ۱۳۵۶). رژیم جمهوری اسلامی خیلی زود دریافت که علی رغم یکی از مهلک ترین و وسیع ترین ضربه هایی که حزب ما در طول تاریخ بیش از نیم قرن مبارزه متحمل شده است، مبارزه حزب توده ایران در جامعه ادامه خواهد یافت. بازسازی ارگان های رهبری حزب در خارج از کشور، برگزاری پلنوم هیجدهم و ارائه برنامه جدید حزب برای مبارزه علیه رژیم «ولایت فقیه»

خیلی زود نشان داد که حزب توده ایران مصمم است تا علی رغم همه مصایب و دشواری ها به مبارزه خود ادامه دهد.

امروز با گذشت بیش از چهارده سال از این یورش جنایتکارانه و شکنجه و کشتار صدها توده ای قهرمان در زندان های رژیم «ولایت فقیه»، حزب توده ایران همچنان پایبند به اصول و در دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان به مبارزه ادامه می دهد و درست به همین دلیل است که رژیم و ارگان های سرکوبگر آن نیز به توطئه های رنگارنگ خود از تلاش برای پیگرد، دستگیری و نابودی فعالان توده ای، نفوذ در صفوف حزب، ایجاد چند دستگی و انشعاب تا حزب سازی ادامه می دهند و هنوز حزب توده ایران را یکی از اصلی ترین دشمنان خود می شناسند. رژیم دریافته است که تنها با کشتن توده ای ها نمی توان نفوذ عظیم و چشمگیر معنوی حزب را از درون جامعه ریشه کن کرد. رژیم اکنون به تجربه دریافته است که علی رغم پخش ساعت ها شوه های تلویزیونی، چاپ کتب، خاطرات و غیره نتوانسته است به اعتبار حزب توده ایران در میان کارگران، زحمتکشان و اقشار روشنفکر و مترقی جامعه ما ضربه کارایی وارد کند و از این رو در تلاش است تا توطئه ضربه زدن به رهبری حزب، ارگان ها و سازمان های حزبی را از طریق به راه انداختن انواع و اقسام کارزارهای تبلیغاتی - روانی در درون و بیرون از کشور تشدید نماید و از این طریق توده های زحمتکش، اعضاء و هواداران حزب را به مشی سیاسی و نهادهای رهبری حزب بدبین کند، انضباط و وحدت حزب را خدشه دار سازد و راه را برای فروپاشیدن حزب از درون مهیا کند و در صورت تحقق چنین برنامه ای «سازمان» ها و «احزاب» از پیش تدارک دیده شده را علم نماید.

تاریخ حماسی و غرور آفرین پیکار پنجاه و پنج ساله توده ای ها تاریخ مبارزت پرشور و مقاومت پیروزمند در مقابله بیش از پنج دهه توطئه های رنگارنگ ارتجاع و امپریالیسم است. در طول این پنج دهه حزب ما به دفعات مورد حمله و یورش حکومت های پلیسی و استبدادی قرار گرفته است، هزاران توده ای دستگیر، زندانی و اعدام شده اند، ولی پرچم حزب توده ایران هیچگاه بر زمین نمانده است. با به خاک افتادن هر مبارزی، مبارز دیگری سر بلند کرده است، روزبه جای خود را به مهرگان ها، کی منش ها، سیمین فردین ها و ... داده است و جای این شهدای قهرمان را توده ای هایی که در سخت ترین شرایط به مبارزه خود در درون و بیرون از کشور ادامه می دهند، گرفته اند و بدین سان تاریخ حزب توده ایران، تاریخ پنجاه و پنج سال پیکار حماسی و کم نظیر در تاریخ معاصر کشور ما مرتباً زایش می یابد، نو می شود و به راه و حرکت مقدس خود در راه به پیروزی رساندن طبقه کارگر و زحمتکشان ادامه می دهد.

## رویدادهای جهان



### قدرت گیری نظامیان در پاکستان

رییس جمهور پاکستان، فاروق لغاری، در روز ۱۸ دی ماه، با ایجاد یک شورای امنیت ملی عملاً موازنه قدرت را به سود ریاست جمهور و ارتشیان کشور و به ضرر پارلمان و نخست وزیر منتخب تغییر داد. با توجه به اینکه درست چهار هفته قبل از انتخابات چنین تغییری صورت می گیرد و با در نظر گرفتن بحران سیاسی - اجتماعی ای که در سال های اخیر پاکستان را فرا گرفته، عمل رییس جمهور را نمی توان جز قدمی علیه دموکراسی در این کشور دانست.

رییس جمهور که فرمانده کل قوا نیز محسوب می شود، مسؤلیت جلسات شورا را بعهده دارد. شورای امنیت ملی اختیار تصمیم گیری پیرامون مسایل دفاعی، امنیت ملی و سیاست های مالی و اقتصادی ای که بر این عرصه ها اثر می گذارد را داراست. شورای امنیت ملی همچنین می تواند در مسایل مربوط به امنیت داخلی و نیز اعلام وضعیت فوق العاده در کشور تصمیم بگیرد.

### بحران بیکاری در آلمان

کشور آلمان در شرایطی سال جدید مسیحی را شروع نمود که با وخیم ترین بحران بیکاری از سال های ۱۹۳۰ میلادی مواجه است. ارنست شوئنهولد، سخنگوی حزب سوسیال دموکرات این کشور گفت: «بیکاری توده ای ثبات اجتماعی آلمان را تهدید می کند». بر طبق آمار رسمی اعلام شده در ماه گذشته ۴۸۰۰۰ بیکار جدید به ارتش ۴/۱۵۶/۰۰۰ نفره بیکاران پیوستند که این در دوران پس از جنگ جهانی دوم یک رکورد محسوب می شود. شوئنهولد دولت کهل را متهم کرد که به عوض اقدام عملی برای ایجاد اشتغال با دنبال کردن سیاست تقلیل مالیات های مستقیم و ساده کردن مقررات اخراج کارگران عملاً به تمیق بحران کمک کرده است.

### مرگ حکومت قانون در نیکاراگوئه

بدنبال انتخابات همراه این کشور که به پیروزی مشکوک آرنولدو آله مان کاندیدای نیروهای راست حزب «اتحاد لیبرال» منجر شد، فشار برای بیرون راندن جبهه ساندینیستی از صحنه مبارزات سیاسی شدت گرفته است. پلیس نیکاراگوئه در روز ۲۳ دی ماه مدعی شد که از محل سکونت نستومونکارا، یک افسر بازنشسته پلیس و مشاور حقوقی یک ایستگاه تلویزیون متعلق به ساندینیست ها مقداری اسلحه و مهمات کشف کرده که گویا قرار بوده در سوء قصد به جان رییس جمهور جدید در جریان مراسم تحلیف استفاده شود.

در روز ۲۱ دی ماه - جبهه ساندینیست ها در جریان یک بحران سیاسی اوج گیرنده مراسم تحلیف ریاست جمهور را بایکوت کرد. جبهه ساندینیستی شورای عالی انتخابات را متهم کرد که با تصمیمات خود حکومت قانون در نیکاراگوئه را تضعیف می

کند. دو روز قبل از آن در ۱۹ دی ماه، دیوان عالی کشور ۸۰ مورد قوانینی را که از طرف ساندینیست ها مطرح و حمایت می شد مردود شمرد.

دانیل اورنگا، رهبر ساندینیست ها و رییس جمهور انقلابی سابق کشور این عمل را «کودتا» و «حکم مرگ» برای حکومت قانون دانست.

در حال حاضر «لیبرال» ها دولت، پارلمان و قوه قضاییه را تحت کنترل خود دارند. ویکتور هوگو تینوکو، معاون اورنگا در هیات ۳۶ نفره ساندینیست ها در پارلمان، اظهار کرد که باید اعتراض را به خیابان ها کشاند.

### بلغارستان

تشدید موج تظاهرات بر ضد دولت حزب سوسیالیست بلغارستان در نیمه دوم دی ماه شباهت های مشخص با رخداد های سال های آخر دهه ۸۰ میلادی در کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی دارد. نیروهای راست و میانه با بهره گیری از وخامت اوضاع اقتصادی کشور و با کسب انرژی و اطمینان خاطر از حمایت کشورهای امپریالیستی و محافل راست غرب عملاً دور نهایی مبارزه خود برای برچیدن هرگونه نهادی را که با سوسیالیسم کوچک ترین قرابتی داشته باشد آغاز کرده اند. شکست کاندیدای حزب سوسیالیست در انتخابات ریاست جمهوری در آبان ماه شروع این مرحله تازه تهاجم برای بازپس گیری تمامی مواضع قدرت توسط نیروهای راست می باشد. رییس جمهور بلغارستان، پتاراستویانف بلافاصله پس از ادای سوگند در مراسم تحلیف حمایت خود را از خواست مخالفان جهت انجام یک انتخابات پارلمانی فوری اعلام کرد. استویانف در سخنانی خطاب به پارلمان گفت: «بلغارستان نیاز به انتخابات هر چه سریع تر دارد». دولت حزب سوسیالیست قبول کرده است که تا قبل از پایان سال جاری مسیحی انتخابات انجام بگیرد و حتی قبل از آن هم یک کابینه جدید حزب سوسیالیست معرفی شود، ولیکن احزاب مخالف از قبول این عقب نشینی خودداری می کنند. حمله مخالفان به پارلمان میزان جری شدن مخالفان و خطرناک بودن وضعیت را نشان می دهد.

تحولات بلغارستان که بی شباهت به رخدادها و جهت گیری اوضاع در رومانی و برخی دیگر از کشورهای اروپای شرقی نمی باشد، ریشه در اتخاذ مواضع سوسیالیست دموکراسی راست از سوی حزب سوسیالیست، عدم کارایی برنامه های اقتصادی آن، کوشش برای جلب مقبولیت از طرف ایالت متحده و اتحادیه اروپا به عوض اجرای سیاست های اصولی برای بهبود وضعیت اقتصادی زحمتکشان، استمالت از نهاد های امپریالیستی و اجرای فرامین صندوق بین المللی پول دارد.

### ائتلاف درخت زیتون بر سر دوراهی

عدم حمایت نمایندگان حزب احیاء کمونیستی ایتالیا از برنامه خصوصی سازی دولت متمایل به چپ «درخت زیتون» کابینه نخست وزیر رومانو پرودی را با اولین شکست اساسی خود روبرو کرده است. حزب کمونیست های ایتالیا که در دولت شرکت ندارد، ولی حمایتش در پارلمان جهت تامین اکثریت برای ائتلاف حاکم حیاتی است. در رای گیری رای ممتنع داد. حزب کمونیست از همان اولین روزهای پس از اعلام نتیجه انتخابات اعلام کرده بود که حمایتش از دولت هیچ گونه تناقضی با مخالفت آن با سیاست های اقتصادی کلیدی پرودی منجمله خصوصی کردن صنایع استراتژیک و کاهش بودجه مصارف اجتماعی ندارد.

در بحث پارلمان روز ۲۶ دی ماه در مورد انتقال بخش تعیین کننده سهام شرکت دولتی ارتباطات راه دور ایتالیا به خزانه داری به عنوان مرحله ای در خصوصی ساختن این شرکت، نمایندگان حزب کمونیست قدرت خود را نشان دادند. آرماندو کوسوتا، صدر حزب احیاء

کمونیست گفت: «پرودی می تواند هرچه دلش می خواهد بگوید، ولی او باید اکنون درک کرده باشد که درخت زیتون اکثریت آراء را ندارد و این به برکت حمایت نمایندگان کمونیست است که دولتش روی پا ایستاده است.

### پایان خط برای یلتسین؟!

بیماری ذات الریه یلتسین بعد از عمل جراحی قلب و شایعات گوناگون در مورد قابلیت فیزیکی او برای ادامه نقش ریاست جمهوری، روسیه را در یک بحران جدید فرو برد. رهبر تیم پزشکی یلتسین بیماری او را «جدی» اعلام کرد. یوگنی اوزونو دیچف یکی از خبرنگاران انستیتو ارزیابی های استراتژیک در مسکو گفت: «ما یک سال را بدون رهبری موثر در این کشور سپری کرده ایم. در ابتدا انتخابات ریاست جمهوری، سپس انتظار ما بخاطر عمل جراحی قلب یلتسین، و اکنون در می یابیم که باز او در «بیمارستان در حال تلف شدن است... روسیه یک سیستم دولتی متکی بر رییس جمهور دارد و وقتی که رییس جمهور غایب است، تمامی ماشین دولتی فلج می شود... یک بحران عظیم اقتصادی در کشور وجود دارد».

نیروهای اپوزیسیون خواستار کناره گیری رییس جمهور، سپردن امور به دست نخست وزیر و انجام انتخابات ریاست جمهوری هستند. ژنرال الکساندر لید که خود را یک رییس جمهور بالقوه می داند، اظهار کرده است که اگر یلتسین بزودی کناره گیری نکند یک «انفجار اجتماعی» بوقوع خواهد پیوست. او پیش بینی کرد که انتخابات جدید می تواند در ظرف چند ماه انجام شود. در روز ۲۷ دی ماه پارلمان از بحث و تصمیم گیری در مورد یک قطعنامه با هدف تصویب مکانیزم و روش های برکنار کردن ریاست جمهوری که دائماً در بستر بیماری است، خودداری کرد. مشاور حقوقی پارلمان اعلام کرده است که بر طبق قانون اساسی پارلمان حق اتخاذ چنین تصمیمی را ندارد. گنادی سلزنیوف سخنگوی کمونیست پارلمان گفت که او هیچ حرکتی را برای برخورد با رییس جمهور تشویق نخواهد کرد.

### دولت مستقل فلسطینی؟!

پس از ماهها مذاکره بین مقامات اسرائیلی و نمایندگان دولت خودمختار فلسطینی، در روز ۲۸ دی ماه سربازان اسرائیلی با تحویل ادارات مرکزی خود در الخلیل (هبرون) که عملاً برای ۳۰ سال سمبل اشغال اراضی فلسطینی بوده است، ادامه روند قرارداد صلح اسلورا ممکن کردند. بر طبق توافق حاصله ۲۰ درصد شهر الخلیل که قریب ۴۰۰ یهودی افراطی در مرکز آن سکونت دارند، در اشغال نیروهای اسرائیلی باقی خواهد ماند. در روز ۳۰ دی ماه یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین و رییس جمهور دولت خودمختار فلسطینی خطاب به یهودیان ساکن الخلیل (هبرون) گفت که او خواستار صلح است. او در سخنرانی خود برای ۲۵۰۰ تن از ساکنان الخلیل اظهار داشت: «من به ساکنان یهودی می گویم که ما خواهان برخورد نیستیم». عرفات به جمعیت عرب الخلیل گفت که «اکنون شهر الخلیل یک شهر آزاد شده است». او اظهار داشت که الخلیل تخته پرشی برای تخلیه بیشتر نیروهای اسرائیلی از کرانه غربی رود اردن است. رهبر جنبش آزادیبخش فلسطین بشارت داد که اسرائیل در چند روز آینده زنان زندانی فلسطینی را آزاد خواهد کرد و متعاقب آن رهایی شیخ احمد یاسین رهبر بنیادگرای حماس در دستور کار خواهد بود. عرفات در سخنانی که خوشبینی او را به تحولات آینده نشان می داد اظهار داشت: «الخلیل تخته پرشی برای آنچه که بعدا خواهد آمد می باشد. بنابراین ما می توانیم کشور فلسطینی مان را ایجاد کنیم».

## درس هایی از اعتصاب شکوهمند کارگران کره جنوبی

تصمیم دولت کره جنوبی به بازگرداندن قانون کار ارتجاعی و لایحه امنیت ملی به پارلمان این کشور برای بحث و اصلاح و لغو حکم دستگیری اعتصابیون را باید پیروزی مهمی برای جنبش کارگری این کشور دانست. این موفقیت در پرتو مبارزه ای شکوهمند و پیگیر از سوی طبقه کارگر متشکل کره جنوبی و همبستگی بین المللی با آنان ممکن شد.

جهت اصلی مخالفت جنبش کارگری کره جنوبی متوجه قانون کار ارتجاعی ای بود که در روز ۷ دی ماه در جلسه ویژه پارلمان به تصویب رسیده بود. دولت «حزب کره نوین» که مصمم بود این قانون را برای جلب بیشتر سرمایه بین المللی بهر بهایی به تصویب پارلمان برساند، ساعت ۶/۳۰ صبح روز ۷ دی ماه که در کره جنوبی تعطیل عمومی است طرفداران خود را در جلسه ای غیر علنی شرکت داد و سریعاً و بدون سر و صدا قانون کار و لایحه امنیت ملی را، که بسیاری از آزادی های دموکراتیک را محدود می کند، با نقض بدیهی ترین ملاحظات دموکراتیک به تصویب پارلمان کره رساند.

رهبان کنفدراسیون اتحادیه های کارگری کره، که ۵۰۰/۰۰۰ عضو آن به طور عمده در صنایع اتومبیل سازی، کشتی سازی، قطار زیر زمینی سئول، وسایل ارتباط جمعی، شرکت ارتباطات و صنایع سنگین متشکل هستند، سریعاً علیه کارگزاران سرمایه کره جنوبی به مبارزه برخاستند. دولت با غیر قانونی اعلام کردن کنفدراسیون سندیکایی دستور دستگیری رهبان آن را صادر کرد. اعتصاب کارگران صنایع و اوج اعتراضات عمومی موازنه قدرت را به نفع اتحادیه های کارگری تغییر داد.

در روز ۲۱ دی ماه فدراسیون اتحادیه های کارگری کره که ۱/۳ میلیون نفر عضو دارد و به

عنوان مرکز اتحادیه ای رسمی مورد تایید دولت است، تصمیم به اعتراضات و درخواست لغو قانون کار گرفت. این فدراسیون در گذشته به سیاست های مصالحه جویانه یا دولت گرایی داشته و نیز تعداد وسیع اعضای آن که در بخش عمومی، بانک ها، معادن، صنایع دولتی، شرکت دخانیات، چاپخانه ها و شرکت پست به کار مشغولند، اهمیت ویژه ای داشت. در اعتصاب عمومی اعلام شده از سوی دو مرکز سندیکایی در روزهای ۲۵ و ۲۶ دی ماه ۵۰۰/۰۰۰ نفر از اعضای فدراسیون و ۳۵۰/۰۰۰ از اعضای کنفدراسیون اتحادیه های کارگری دست از کار کشیدند. به تخمین دولت، تا روز ۲۸ دی ماه، حداقل ۳ میلیارد دلار کاهش تولید و ۵۰۰ میلیون دلار کاهش صادرات نتایج مستقیم اعتصاب بوده است. دولت کره جنوبی در ابتدا سیاست سرکوب بهر قیمتی را اتخاذ کرد و جلسه کابینه دولت به رهبری نخست وزیر در روز ۲۶ دی ماه تصمیم گرفت که دستگیری رهبان سندیکایی را حتی با توجه به نتایج و اثرات منفی ناشی از آن نمی توان به تعویق انداخت.

دستگیری سه رهبر اتحادیه ای در روز ۲۸ دی ماه و تهدید به دستگیری بقیه رهبران اصلی اتحادیه ای و متهم کردن اتحادیه های کارگری به اینکه از جمهوری دموکراتیک خلق کره رهنمود می گیرند، همه قدم هایی در این راستا بودند. ولی ادامه اعتراض و گسترش دامنه آن و نیز حمایت جنبش کارگری جهانی، عملاً موازنه قدرت را بهم زد. نامه رهبر سازمان بین المللی کار، مایکل هانسن، به رئیس جمهور کشور و نیز اعتراضات کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کاری آزاد و نیز فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری فشار بین المللی را چاشنی اعتراضات مردمی کرد. گرچه در ابتدا دولت کره جنوبی با تهدید به اخراج هیات های نمایندگی اتحادیه های بین المللی و جلوگیری از عمل آزاد آنان سعی در کنترل و خفه کردن همبستگی جهانی با کارگران اعتصابی کرد، با فرارسیدن روز ۳۰ دی ماه و اعلام سفر ۱۰ تن از رهبران اصلی کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری آزاد به سئول، دولت کره جنوبی در مقابل افکار عمومی بین المللی قرار گرفت. فدراسیون اتحادیه های کارگری کره و کنفدراسیون اتحادیه های کارگری کره مصمم بودن خود را به مبارزه تا تغییر قانون کار اعلام کردند. آنها تهدید کردند که اگر قانون کار تغییر نکند تا آذر ماه آینده که انتخابات ریاست جمهوری انجام می شود، اعتصاب ها را ادامه داده و برای شکست کاندید حزب حاکم «کره نوین» مبارزه خواهند کرد.

در چنین شرایطی دولت کره جنوبی برای جلوگیری

از سیاسی تر شدن موج اعتصاب ها کارگری تصمیم به قبول برخی از خواسته های اعتصاب کنندگان گرفت. البته رهبران جنبش سندیکایی اعلام کرده اند که در صورت باز پس گرفته نشدن قانون کار، اعتصاب های خود را به شکل یک روز در هفته ادامه خواهند داد.

در تحلیل تحولات کره جنوبی باید گفت اعتصاب ها کارگری و مبارزه مردمی نتیجه منطقی نقض دموکراسی توسط کره جنوبی بود که مصمم بود نقض امنیت کاری، آزادی اخراج کارگران و افزایش ساعات کار را در قانون جدید کار بگنجانند.

تضمین اشتغال بهایی بود که کارفرمایان کره جنوبی برای همکاری کارگران در ساختمان یک اقتصاد صنعتی قدرتمند در کشور پرداخته بودند. این امر بر اساس یک استراتژی مشترک دولت و شرکت های صنعتی بزرگ بود که برای دهه ها همکاری طبقاتی را موعظه می کردند. تصمیم دولت برای کنار گذاشتن این استراتژی نتیجه برنامه آن برای پیوستن به کلوب پر قدرت کشورهای عمده سرمایه داری در سازمان همپاری و توسعه اقتصادی است که اصول بازار آزاد و نفی هر گونه امتیازات ویژه برای نیروی کار از اصول مقدسه آن است. دولت مدعی بود که این تغییرات جدید برای تضمین کارایی بیشتر و تقویت موضع کره جنوبی در رقابت اقتصادی بین المللی ضروری است.

کارگران کره جنوبی بار دیگر به تجربه دریافتند که سرمایه داری تا آن جایی «همکاری طبقاتی» را ادامه می دهد که منافش ایجاب می کند و به محض تغییر شرایط بازار، بدون هیچ ملاحظه ای از آن کنار می کشند و تقابل طبقاتی را جایگزین می سازند.

کارگران کره جنوبی برای حقوق دموکراتیک و حقه خود مبارزه می کنند. در کنار ثمرات داخلی این مبارزه که حداقل آن کسب اعتماد به نفس جنبش کارگری خواهد بود، یکی از نتایج بین المللی این اعتراضات افشاء دورویی تهوع آور رهبران کشورهای غربی به اصطلاح دموکراتیک جهان سرمایه بود. آنها که در ماه های اخیر تمامی کوشش خود را برای حمایت از اپوزیسیون راست علیه دولت یوگسلاوی بکار برده اند و چپ و راست خواستار احترام دولت به نهادهای دموکراتیک و دموکراسی در کشور هستند، هیچ کلامی در مورد اقدامات ضد دموکراتیک دولت

### ادامه در ص ۵

**آدرس ها:** لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany

2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

**NAMEH MARDOM-NO:498**

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

27 January 1997

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۳۴۱۶۲۷

**حساب بانکی ما:**

IRAN e. V.

790020580

10050000

Berliner Sparkasse

نام

شماره حساب

کد بانک

بانک Berliner Sparkasse